

دیدگاه

تهدید تنگه ها

محمد ولایی | رسانه‌ها از تحرکات جدیدی در منطقه خبر می‌دهند و در گمانه‌زنی‌ها احتمال حمله آمریکا به یمن، پررنگ‌تر به چشم می‌آید. جنگی که البته پیش از این در اسفند ۱۴۰۳ آرموده شد و با وجود بمباران وسیع این کشور، نهایتاً پس از ۵۰روز به آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از دریای سرخ انجامید.حالا به فاصله چند روز پس از پیشروی‌های برق‌آسای انصارالله در جنوب یمن، تسلط کامل بر باب‌المنذب و در معرض سقوط قرار گرفتن مثل تعز، مأرب و عدن، که آخرین شهرهای مهم باقیمانده‌در اشغال مزدوران سعودی است، دوباره پای آمریکا به این جنگ باز می‌شود.البته شاید مهم‌تر از این‌ها، محاصره متقابل عربستان سعودی توسط انصارالله است که دور زدن تنگه هرمز از طریق بندر یمنج و دریای سرخ را به چالشی برای بازار انرژی جهان تبدیل کرده و قیمت سوخت را در آمریکا و اروپا به سقف تاریخی‌اش چسبانده است.

اهداف این کارزار احتمالاً تضعیف و فرسوده کردن توان نظامی و موشکی یمن و عقب‌راندن انصارالله از سرزمین‌های ساحلی و دهانه باب‌المنذب به سمت ارتفاعات خواهدبود که با توجه به برتری هوایی ائتلاف سعودی- آمریکایی محتمل به‌نظر می‌رسد.

چنین سناریویی گرچه برای انصارالله «شکست» شمرده نمی‌شود و نهایتاً مواضعش به‌مواضع دوهفته پیش برمی‌گردد، اما در آستانه نشست سازمان ملل و مهم‌تر از آن، انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا می‌تواند یک پیروزی ظاهری را نصیب ترامپ و جمهوری‌خواهان کند

و ترمز قیمت سوخت را هم تا حدی بکشد.

گرچه این عملیات حتی ممکن است نمداین و نمایشی باشد، ولی عادی‌سازی همین عملیات‌ها نیز ضرر به‌پذیری و تضعیف بیشتر جبهه خودی را به دنبال دارد و سایه جنگ را در منطقه همچنان پررنگ نگاه خواهدداشت.

وحدت ساحات ایرانی- یمنی و پیوند باب‌المنذب با هرمز چیزی نیست که صرفاً ریشه در تصورات محور مقاومت داشته باشد. این واقعیتی است که ترامپ هم بارها به آن اشاره کرده و حتی حملات یمنی‌ها در دریای سرخ را با تهدید ایرانی‌ها پاسخ داده است. دشمن با حمله به یمن در پی جدا کردن حساب دو تنگه است تا با تضعیف یک جبهه بتواند جبهه دیگر را پای میز مذاکره نقد کند. اگر تنگه راهبردی باب‌المنذب از سلطه مستقیم انصارالله خارج شود، گزینه تنگه هرمز با فشار بیشتری روی میز قرار خواهدگرفت. بنابراین حمله به یمن، حمله به یکی از اضلاع محور مقاومت و در واقع حمله به امنیت ملی ایران است و برای دشمن باید به معنای گسترش جنگ و افزایش هزینه در همه جبهه‌ها تلقی شود.

درست است که ارکان محور مقاومت به‌طور مستقل عمل می‌کنند؛ اما هر ضربه به هر یک از این ارکان باید چنین هزینه‌ای برای دشمن مشترک داشته باشد تا محاسبه‌اش را در هر دو تنگه عوض کند.

گرچه آمریکا روی سکوت ایران به قصد زنده کردن تفاهم اسلام‌آباد در آستانه سفر هیئت بلندپایه ایرانی به نیویورک حساب کرده است، اما ترسیم این خط قرمز پررنگ می‌تواند اثر بازدارنده خود را داشته باشد. طبیعتاً وحدت ساحات به معنای ورود یک‌سان همه اضلاع مقاومت به پاسخ متقارن و جنگ گرم و شلیک هم‌زمان از ایران، عراق و لبنان نیست؛ بلکه هر کدام از اضلاع می‌تواند واکنش متناسب خود را داشته باشد. مهم این است که دشمن بداند برای ضربه به هر یک از اضلاع این صورت‌نحاسبش را در همه جبهه‌ها بپردازد و حمله به صاحبه و صنعا لزوماً آن‌را تر از حمله به بوموسی تمام نخواهد شد.

در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت که پیچ هرمز سفت‌تر شود و به آستانه بالاترزی از تنش برسد. اتفاقی که با انتقال بخشی از استعداد نظامی آمریکا از تنگه هرمز به باب‌المنذب تسهیل خواهد شد.

از سوی دیگر هیئت دیپلماتیک اعزامی ایران به نیویورک می‌تواند در غیاب دولت مردمی صنعا در نشست مجمع عمومی سازمان ملل، زبان گویای ملت مقاومت یمن باشد و پرونده محاصره و تجاوز بیش از یک دهه‌ای این ملت مظلوم و مقاوم را روی میز افکار عمومی جهان بگذارد.

خبر

قالیباف: هم باید جنگید و هم مذاکره کرد

رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: ما معتقدیم دوگانه جنگ یا مذاکره واقعی نیست، بلکه هم باید جنگید و هم مذاکره کرد. باید معقول و مقتدرانه جنگید و در زمان مناسب با اقتدار و عقلانیت مذاکره کرد.

به گزارش قدس آنلاین، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در جلسه علنی مجرای دیروز یکشنبه مجلس در نقط پیش از دستور خود، در آستانه سالروز آغاز جنگ تحمیلی اول علیه ملت مقاوم ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و هفته دفاع مقدس، اظهار کرد:

متأسفانه در فضای نخبگانی و سیاسی کشور دو خطای راهبردی وجود دارد که هر دو واقعیت را سادهانگاری می‌کنند؛ نخست، نگاهی

است که از جنگ سخن می‌گوید اما هیچ افق و سازوکاری برای پایان مقتدرانه آن ندارد. این نگاه با نفعی هر گونه تعامل و دیپلماسی، بدون محاسبه مقدرات، عملاً کشور را به سمت فرسایش و جنگ بی‌پایان می‌برد. وی افزود: در نقطه مقابل، جریانی قرار دارد که دچار خطای کم‌برآوردی از توان ملی است، ایران را ضعیف می‌ندارد و با هراس، نسخه تسلیم و پذیرش شروط یک‌طرفه دشمن را می‌پیچد. قالیباف خاطرنشان کرد: خطای اول کشور را در وضعیت بحران دائمی نگه می‌دارد و خطای دوم منابع و عزت را با پیشکش دشمن می‌کند و هر دو رویکرد، خواسته دشمن برای برهم زدن انسجام و اتحاد کشور را محقق می‌کنند. قالیباف تأکید کرد: ما معتقدیم دوگانه جنگ یا مذاکره واقعی نیست، بلکه هم باید جنگید و هم مذاکره کرد. باید معقول و مقتدرانه جنگید و در زمان مناسب با اقتدار و عقلانیت مذاکره کرد. وی درباره آخرین وضعیت دیپلماسی نیز اظهار کرد: امروز در صحنه دیپلماسی نیز مواضع ما کاملاً روشن، عقلانی و غیر قابل معامله است. انتقال پیام‌ها و تبیین شروط از طریق میانجی‌ها با صراحت به طرف مقابل انجام شده و دشمن به‌خوبی می‌داند که مسیر فریب و تحمیل یک‌طرفه بسته است. وی افزود: تا زمانی که این شروط محقق نشود و حقوق حقه ملت ایران به رسمیت شناخته نشده و تعهدات آمریکایی‌ها اجرا نشود، هیچ روزنه‌ای برای بازگشت به شرایط پیشین مذاکره و باز شدن تنگه هرمز وجود نخواهد داشت.

در سایه گسل سیاسی، مصائب اقتصادی ودوئل رسانه‌ای در آمریکا

درباره ایران شاهد افزایش تهدیدهای نظامی واشنگتن هستیم

بازگشت آمریکایی‌ها به قتلگاهشان؟



گرفت. پنتاگون جمعه رسماً به کنگره اطلاع داد جنگ ۴۵/۱میلیارد دلار هزینه روی دست یانکی‌ها گذاشته است. در سایه اقدام‌های دولت، قیمت سوخت همچنان رکورد می‌زند. بدتر آنکه نگرانی از آینده سبب شده طبق گزارش سی‌ان‌ان، میزان جست‌وجوی «قیمت بنزین» در گوگل طی یک ماه اخیر ۳۵۷درصد افزایش یابد! روند جاری، هزینه حمل و نقل و زنجیره تأمین را در آمریکا زیر فشار برد و انتظارات تورمی مردم را شعله‌ور کرد. در مقابل بانک مرکزی برای مهار آتش، نرخ بهره را بالا برد، ولی این اقدام با ایجاد شوک، تنها در ۲۵ دقیقه، ۴۹۰ میلیارد دلار از ارزش بورس را دود کرد. تحلیلگران انتظار دارند افزایش قیمت بنزین و گازوئیل تشدید شود و ممکن است بدترین بخش شوک اقتصادی هنوز از راه نرسیده باشد! انتقادهای لفظی از دولت در حوزه مدیریت سوخت، دامنه درگیری را به یقه‌گیری و دوئل اعضای کابینه با رسانه‌ها کشانده است. دیکتاتور آمریکایی جمعه در اقدامی عجیب، ورود شبکه‌های خبری منتقد شامل سی‌ان‌ان، ام‌اس‌ناو و یوئیتیکو به کاخ سفید را ممنوع کرد.

خاورمیانه که دیروز انجام شد، گواه چنین رویکردی است.

گمانه‌زنی‌هایی درباره اقدام نظامی احتمالی علیه یمن و یا حتی تأسیسات هسته‌ای ایران هست، رویدادی که می‌تواند وضعیت امنیتی منطقه را پیچیده کند. پرواز غیرمنتظره و شبانه بمب‌افکن راهبردی B-۱ Lancer از پایگاهش در بریتانیا که یکشنبه انجام گرفت، نشانه دیگری از هدف‌گذاری دولت ترامپ برای بالا بردن سطح تهدید تلقی می‌شود. در پاسخ قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) طی بیانیه‌ای تأکید کرد: «آمریکای جنایتکار با نیت پوشش شکست‌ها و دستیابی به دستاوردهای دروغین، در تلاش است اقدامات علیه ایران را از سر بگیرد. اگر خطا کنید هدف حملات دردناک قرار خواهید گرفت».

روی آوردن دوباره به ابزار فشار نظامی در محیطی است که شراره‌های تنش دامن کاخ سفید را در بر گرفته و آثار آن در حوزه سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای مشهود است و ترامپ به نظر نظامی‌گری را چاره فرار از چالش‌های داخلی می‌بیند. آتش اختلاف و بگو‌مگو در آمریکا بر سر ایران از مدت‌ها پیش و با افزایش قیمت سوخت گر

گروه سیاسی | در روز ۲۰۵ جنگ، بار دیگر خطوط یک معامله احتمالی روشن‌تر شده است. سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی اعلام کرده تهران «هفت‌شرط» خودبرای آغاز مذاکره را از طریق قطر و پاکستان به واشنگتن منتقل کرده و منتظر پاسخ آمریکاست. هم‌زمان، مقام‌های نظامی ایران هشدار داده‌اند اطلاعاتی درباره آماده‌سازی دور تازه‌ای از حملات آمریکا در ریافت کرده‌اند و در صورت وقوع آن، پایگاه‌ها و منابع آمریکا در منطقه هدف خواهند گرفت. بنابراین خبر مهم ۲۴ ساعت گذشته شکل‌گیری مذاکره‌ای پیش از مذاکره است. طرفین تلاش می‌کنند پیش از نشست بر سر میز مذاکره، هزینه را برای طرف مقابل افزایش و سهم دستاوردهای خود را ارتقا دهند.

ایران چه می‌خواهد؟

سرلشکر رضایی گفت: آمریکا باید ابتدا شرایط ایران را اجرا کند و بعد مذاکره آغاز شود. از میان شروطی که علنی شده‌اند، آزادسازی دارایی‌های مسدودشده ایران، پایان جنگ در همه جبهه‌ها، توقف مداخله در امور داخلی ایران، پایان حملات نظامی، لغو محاصره در یابی و رفع تحریم‌ها بر جسته‌اند. گزارش‌های امروز همچنین تأکید دارند قطر و پاکستان همچنان واسطه اصلی تماس تهران و واشنگتن هستند. محمدباقر قالیباف نیز منطق ایران را صریح‌تر بیان کرد و گفت: «هم‌پاید جنگید و هم مذاکره کرد» به گفته او، دیپلماسی باید زمانی برای تثبیت دستاوردها به کار گرفته شود که طرف مقابل در موقعیت ضعیف‌تری قرار گرفته باشد. او همچنین بازگشایی هرمز را به اجرای تعهدات آمریکا پیوند زد. این سخنان نشان می‌دهد تهران مذاکره را جایگزین فشار نمی‌بیند؛ بلکه آن را مرحله

فراخبر

میراحمد رضا مشرف | با امضای ترامپ لایحه «تحریم روسیه و ایران لیندسی گراهام ۲۰۲۶» که پیش از این با ۲۶۲ رأی موافقت مجلس نمایندگان را بدست آورده بود، رسماً جنبه اجرایی پیدا کرد. بر اساس این لایحه علاوه بر تحریم‌های گسترده علیه روسیه به‌ویژه در حوزه انرژی و همچنین تمدید قانون تحریم‌های ایران ۱۹۹۶ و افزایش دامنه تحریم‌های این کشور در حوزه انرژی و تسلیحاتی، مجازات‌های شدیدی نیز برای کشورهای ثالث طرف حساب این کشورها اعمال خواهد کرد. این مجازات‌ها به‌خصوص شامل اعمال تعرفه تا سقف ۱۰۰درصدی بر خریداران نفت روسیه خواهد بود که به‌طور عمده خریداران بزرگی همچون چین و هند را در برمی‌گیرد. در همین چارچوب، اجرایی شدن این لایحه توسط دولت ترامپ، در هند به شدت سرو صدا به پا کرده و خشم زیادی را برانگیخته است.

هند به لحاظ تأمین انرژی تا ۸۸درصد به منابع خارجی وابستگی دارد که در حال حاضر حدود نیمی از آن توسط منابع نفتی روسیه تأمین می‌شود. بر اساس آمارهای منتشر شده تنها در ژوئن ۲۰۲۶ هند حدود ۵/۵میلیارد یورو واردات انرژی از روسیه داشته است. از سوی دیگر وقایع

رئیس‌جمهور در توضیح گفت: «آن‌ها دست به انتشار اخبار جعلی می‌زنند. ما از آن‌ها خسته‌ایم». اکنون دعوا، به اعلام جنگ وزیر جنگ به مطبوعات هم کشیده شده. پیت هگست دیروز، آمار واشنگتن پست در مورد افزایش تعداد نظامیان کشته شده آمریکا را سوژه‌ای برای حمله قرار داد و نوشت: «این واقعاً چندان آور و جعلی است. یک دروغ کامل. شرم بر واشنگتن پست؛ آن‌ها از رسانه‌های دولتی ایران بدترند!».

ایران؛ فاکتوری مهم در انتخابات آمریکا

به انتقادهای اقتصادی و جدل رسانه‌ای، شاخ و شانه کشیدن سیاستون را باید افزود که زیر سایه جنگ ایران فضای داخلی آمریکا را ملتهب کرده و درمی‌نوردد. وال‌استریت ژورنال اشاره دارد ناراضیاتی قانون‌گذاران کنگره از عملکرد هگست تشدید شده و از این‌رو طرح استیضاح وی روی میز است. و سپس ان‌بی‌سی ورود کمتر وزیر امور خارجه در رخداد‌های مربوط به ایران را برگ برنده به حساب آورده و تحسین می‌کند. این رسانه با بیان اینکه روبیو به عنوان «دست پنهان»، برخلاف ونس، از قرار گرفتن در کانون توجهات درباره جنگ نامحبوب اجتناب کرده؛ تأکید دارد این فاصله‌گذاری ممکن است از نظر سیاسی به سود او که نامزد بالقوه انتخابات ریاست جمهوری به حساب می‌آید باشد.

با این تفاسیر رئیس‌جمهور در گردابی گرفتار شده که می‌تواند او را بلعیده و حیات سیاسی‌اش را تهدید کند. گواه مسئله، نظرسنجی فاکس نیوز رسانه حامی ترامپ است که نشان داد ۷۱درصد آمریکایی‌ها معتقدند دولت برنامه‌ای برای پایان دادن به جنگ با ایران ندارد. دونالد ولی همچنان با پیچاندن مسئله تلاش دارد پیامد‌های ماجراجویی خود را پنهان کند. او آخرین بار مدعی شد: «اگر به مردم فرصت داده شود تا میان دو گزینه کاهش قیمت سوخت یا اجازه دادن به ایران برای داشتن سلاح هسته‌ای رأی دهند، پیروزی قاطعی خواهد بود؛ مردم نمی‌خواهند ایران سلاح هسته‌ای داشته باشد». ترامپ پیش‌تر با گفتن اینکه «اگر رأی ندهید به جهنم می‌رویم!» تلاش داشت شهروندان را رسانده و پایگاه رأی جمهوری‌خواهان را فعال و تقویت کند. در ادامه به پیشنهاد رشوه روی آورد و گفت: «اگر جمهوری‌خواهان در انتخابات پیروز شوند به هر فرد ۵هزار دلار می‌دهم!» او حالا برای ماله‌کشی بر مشکلات داخلی که با آن دست به گریبان است، ظاهر‌ا روی تهدیدهای نظامی حساب باز کرده، گزینه‌ای امتحان شده که نه تنها گزینه مناسبی برای خروج از بحران نیست بلکه می‌تواند او را بیشتر در باتلاق فرو برده و ببلعد.

الکترونیک، در عین حال تحلیلگران معتقدند ورود مستقیم ترکیه به پاکستان به عملیات زمینی یا هوایی علیه انصارالله همچنان پیچیده و پرهزینه است. مؤسسه CTP/ISW نیز ارزیابی کرده است که انصارالله اهداف مستقل خود را دنبال می‌کند و حتی فشار تهران الزاماً تضمین نمی‌کند این گروه عملیاتش علیه عربستان را متوقف کند. این مسئله یکی از دشواری‌های هر توافق جامع است. پایان جنگ ایران و آمریکا لزوماً به معنای پایان خودکار تمام جبهه‌های منطقه‌ای نیست.

نیویورک؛ پنجره بعدی

زمان طرح شروط ایران نیز مهم است. مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک آغاز می‌شود و هم ترامپ و هم مسعود پزشکیان در آن حضور خواهند داشت. آمریکا اجازه ورود هیئت اصلی ایران را صادر کرده، هرچند محدودیت‌های رفت و آمد همچنان برقرار است. هیچ دیدار مستقیمی میان دو رئیس‌جمهور اعلام نشده، اما حضور هم‌زمان رهبران و میانجی‌ها نیویورک را به مهم‌ترین صحنه دیپلماتیک هفته آینده تبدیل می‌کند.

در نتیجه، تحولات ۲۴ ساعت اخیر را نمی‌توان روز نزدیک شدن قطعی به آتش بس دانست. برعکس، تهدید نظامی همچنان جدی است. اما برای نخستین بار پس از هفته‌ها، بحث فقط بر سر این نیست که طرفین چگونه بچنگند؛ بلکه بر سر این است که با چه شروطی جنگ را متوقف کنند. هفت شرط ایران اکنون روی میز واسطه‌هاست. پاسخ واشنگتن تعیین خواهد کرد که مرحله بعد، دور تازه‌ای از حملات باشد یا دور تازه‌ای از مذاکره.

لایحه لیندسی گراهام در تشدید تحریم‌های ایران و روسیه، هندی‌ها را هم خشمگین کرده است

نمایش تأسفبار دموکراسی آمریکایی

چین و هند باید نقش متفاوت و فعال‌تری در پایان دادن به جنگ اوکراین ایفا کنند؛ باز هم باید لایحه گراهام را زشت تلقی کنید». از نظر وی مشکل این لایحه تنها در هدف تحریم قرار دادن کشورهای ثالث نیست، بلکه در این است که بار دیگر تفوق امپریالیستی آمریکا را اجرا می‌کند. در این میان نگران‌کننده‌ترین بخش لایحه آن چیزی است که دموکراسی آمریکایی به نمایش می‌گذارد. جنگ علیه ایران در آمریکا محبوب نیست و انتقاده‌ا از رفتار دونالد ترامپ در جنگ بسیار شدید است.

این جنگ اختلال شدیدی هم در نظام اقتصادی جهان ایجاد کرده است. در عین حال تأثیرات امنیتی و سیاسی ثانویه آن نیز در حال آشکار شدن است. اما با همه این اوصاف به‌نظر می‌رسد نظام سیاسی آمریکا توان پاسخگو کردن رئیس‌جمهور خود در قبال این پیام‌ها را ندارد: «این تلاشی است تأسفبار، برای تبدیل شکست پاسخ‌گویی دموکراتیک در داخل کشور، به نوعی برتری امپریالیستی

نسبت بهبقیه جهان». از نظر این تحلیلگر برجسته‌هندی، کنگره آمریکا با انتقال تقصیر جنگ اوکراین به هندوچین، بدون فشار متقابل بر ترامپ برای پایان دادن به تنها جنگی که به‌راحتی می‌تواند پایان دهد(جنگ ایران)، به دموکراسی آمریکا ضربه وارد کرده است.

آمریکا و توهم توأم با تکبر قدرت

پراتاپ بانو مهتا، مقاله‌نویس ایندین اکسپرس در ادامه نقل قولی از جی‌ویلامز فولبرایت سناتور می‌آورد که عبارت «غرور قدرت» را برای توصیف سیاست خارجی ایالات متحده به کار می‌برد.

اما مسئله این است که آمریکا قدرت خود را با فضیلت خود اشتباه گرفته است؛ قدرت آمریکا همیشه طوری رفتار می‌کند که گویی خودش را مشروعبیت می‌بخشد. قدرت آمریکا می‌تواند استثناهایی برای خودش ایجاد کند. لایحه گراهام چیزی جز مهر قانون‌گذاری بر این تکبر قدرت نیست.

این نوع تفکر کلاسیک است که اجازه این اشتباه را به آمریکا می‌دهد که می‌تواند در نهایت انتخاب‌های سیاسی کشورهای بزرگ را تعیین کند.